

تکیه دولت

دکتر مهلی فروغ

رئیس هنرکده هنرهای دراماتیک

خداوند روانش را شاد بدارد که تصویر رنگی یکی از بناهای تاریخی ما را که امروز متأسفانه اثری از آن موجود نیست برای ما باقی گذاشته است. تصویر تکیه دولت بقلم نقاش چیره دست شادروان محمد غفاری (کمال الملک) نه تنها از لحاظ طرح و ترکیب و رنگ آمیزی اثری بدیع و شاهکاری نفیس است بلکه از آنجا که نشان دهنده طراحی و معماری يك بنای عظیم تاریخی است و مخصوصاً از این جهت که بیان کننده مراسم پر جلال و شکوه تعزیه داری، یعنی مراسمی که از يك سلسله احساسات ملی و علائق مذهبی و ذوق هنری ما در گذشته حکایت میکند، بعنوان گویاترین سند مهم ملی برای ما گرامی و پرارزش است.

ساختمان عظیم تکیه دولت که بعضی از جهانگردان و نویسندگان مغرب زمین آنرا شبیه و از حیث عظمت نظیر « امفی تئاتر ورونا » Verona دانسته اند در ضلع شرقی کاخ گلستان و در مجاورت شمس العماره قرار داشت و بنای سه طبقه گردی بود محیط بر محوطه وسیعی که قطر تقریبی آنرا شصت متر و ارتفاعش را در حدود بیست و چهار متر و مساحتش را دوهزار و هشتصد و بیست و چهار متر مربع ذکر کرده اند. داربستی از الوار و تیرهای چوبی که با میله‌ها و تسمه‌های آهنی درهم قفل و بست شده بود بر روی دیوارهای بنا تعبیه کرده بودند که استخوان بندی سقفی را بشکل گنبد در روی صحن بنا تشکیل میداد و در مواقع لزوم چادر یا پوشه‌ای بر روی آن میکشیدند که مردم را از تابش آفتاب و باران محفوظ بدارند. در وسط این سقف چهل چراغی آویزان بود که با چهل چراغها و قندیلها و لاله‌هایی که در شبهای تعزیه داری متجاوز از پنجاه هزار شمع در آنها روشن بود به آن بنا و مراسمی که در آن برگزار میشد جلوه و جلال خاصی میبخشید.

در وسط این محوطه سکوی گردی بود بشعاع تقریبی نه متر و ارتفاع نود سانتیمتر و برای رفتن بر روی آن دو پلکان در دو طرف آن ساخته بودند که هر کدام دارای سه پله بود. دور این سکو جاده‌ای بعرض تقریبی شش متر وجود داشت که بعضی از عملیات تعزیه از قبیل اسب سواری و پیکار و مسافرت و غیره در آن صورت میگرفت و وقایع را بهتر مجسم و آنرا بواقع امر نزدیکتر میساخت، و در نتیجه به تأثیر آن می‌افزود. در سمت دیگر این جاده نیز پله‌ای بود به ارتفاع تقریبی سی سانتیمتر که صفت بسیار وسیعی را در پیرامون صحن تکیه تشکیل میداد که مختصری سمت سکوی مرکزی شیب داشت تا زنانی که چهارزانو روی زمین می‌نشستند بتوانند به آسانی وقایع تعزیه را که روی سکو صورت میگرفت ببینند. این قسمت که جای مخصوص زنان بود و متجاوز از چهار هزار زن در روی آن می‌نشستند يك سلسله پلکان که دور تا دور صحن تکیه میگشت و دارای شش پله بود میرسید و به طاقناها و غرفه‌های اطراف تکیه منتهی میگردد.

در يك سمت تکیه ایوان وسیعی دیده میشد که رواق آن با نقشهای کاشی الوان و آجر زینت یافته بود. این ایوان وسیع جایگاه مخصوص مقام سلطنت بود. در مقابل این ایوان در انتهای صحن تکیه منبری از سنگ مرمر با چهارده پله بر روی سکوی مرتفعی قرار داشت که قبل از شروع تعزیه چند واعظ روی آن وعظ میکردند و مردم را برای مشاهده وقایع تعزیه آماده میساختند. در اطراف صحن تکیه طاقناهایی ساخته بودند به عرض تقریبی هفت متر و نیم که ستونها و دیوارهای خارجی آن کاشی کاری بود. روی این طاقناها اطاقهایی در دو طبقه وجود داشت که

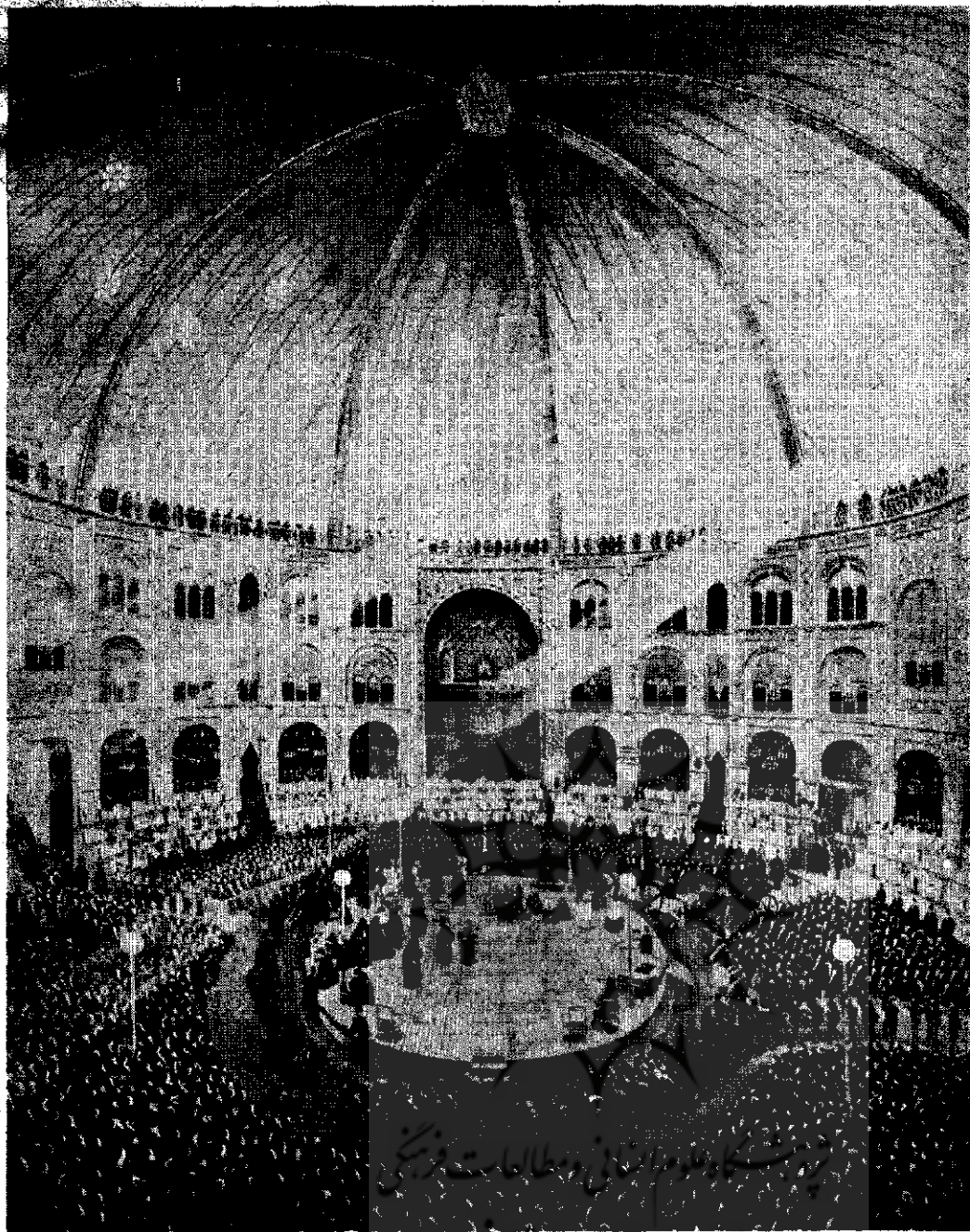
پنجره‌های آن را بصورت « آرسی » درست کرده بودند . با وجود اینکه هیچگونه اهمیتی برای قرینه سازی در طرح اطاقها و رواقها بکار برده نشده بود از عظمت و جلال بنا اصلاً کاسته نشده سهل است که يك تنوع مطلوب و زیبایی در طرح کلی آن بوجود آورده بود که شخص از دیدنش لذت میبرد . پنجره جایگاه اختصاصی خاندان سلطنت که در عقب منبر و در مقابل جایگاه پادشاه قرار داشت دو برابر بلندتر از پنجره اطاقهای دیگر و معماری آن با سایر اطاقها متفاوت بود . این اطاقها را با فرشهای پر قیمت و پرده‌های زیبا زینت کرده بودند . عرض طاقنماهایی که راه ورود و خروج به تکیه را تشکیل میداد با سایر طاقنما تفاوت داشت . بطور کلی میتوان گفت که اطاقها و طاقنماها و ایوانهای تکیه دولت از لحاظ هیئت ظاهر بقدری استادانه طراحی و معماری شده بود که هر کس آنرا میدید زیبایی و استحکام آنرا احساس میکرد .

اما عظمت و جلال تکیه بیشتر بسبب مراسم پرشکوهی بود که بنام تعزیه در آن برگزار میشد . در این مراسم درودیوار را با چهل چراغها و قالیچه‌ها و شالهای کشمیری و تابلوهای نفیس و سایر اشیاء پر قیمت تزئین میکردند . تزئین هر غرفه را یکی از رجال معروف و متمکن بعهده میگرفت و در نتیجه يك نوع رقابت مذهبی در این کار بین اشخاص ایجاد میگردد و این امر تا حدی مبین خلوص عقیده ایشان بخاندان امام اول شیعه بود . جمعیت انبوه زنان سکوی مرکزی را احاطه میکردند و مردان در پشت سر ایشان روی پله‌ها و در غرفه‌ها و اطاقها جای میگرفتند . مراسم تعزیه با ورود عده‌ای در حدود دویست نفر از مستخدمین دربار سلطنتی آغاز میشد که در دو صف پدنبال رئیس مستخدمین یا خوانسالار ملایم وبا وقار دور سکوی مرکزی میگشتند . همه لباس سیاه بتن داشتند و پس از مدتی نوحه سرائی و سینه‌زنی خارج میشدند . بلافاصله پس از آنها جمعی در لباس عربی باشور و هیجان فوق العاده داخل میشدند و دیوانه وار سینه میزدند و خارج میشدند و در دنبال ایشان گروهی سنگ‌زن بداخل می‌آمدند و پس از نوحه سرائی و زدن قطعات چوبی که در دست داشتند بیکدیگر ، عزم رفتن میکردند و در همین اثناء صدای آندوه‌بار موسیقی بگوش میرسید .

از این سه گروهی که بیان کردیم کار گروه اول بیشتر تشریفاتی بود ولی دو گروه دیگر با مرتبه‌هایی که میخواندند و با حرکات و اعمالی که انجام میدادند ذهن حضار را بتمشای وقایع معطوف و ایشان را برای دیدن آن مستعد میساختند . گروه عرب ، رمز و نشانه‌ای بود که برای معلوم داشتن محل حادثه بکار میرفت ، و با مشاهده آن ، ذهن مستمع بمحل وقوع ماجرا و کسانی که در آن دخیل بوده‌اند مسبوق میگردد .

دسته موسیقی نظامی و در دنبال آن دسته‌های کوچک دیگر بانظم و طمأنینه داخل میگرددند و هر کدام نوای مخصوصی مینواخت و پس از یکبار طواف بدور سکو از در دیگر خارج میشد . پس از آن شبیه‌ها بتدریج با نظم و ترتیب خاص داخل میشدند . مقدم بر همه عده‌ای کودک ده دوازده ساله در لباس سبز حرکت میکردند و در دنبال ایشان چندین نفر در لباس رزم یعنی زره و خود داخل میشدند . پس از طی کردن چند قدم بداخل تکیه ، صدای نازک و سوزناک یکی از این اطفال بلند میشد که اییاتی در رثاء امام سوم میخواند . اییاتی که خوانده میشد زمینه را برای وقایع تعزیه فراهم میساخت . عده دیگری که بهمراهی صف کودک بتدریج داخل میشدند در خواندن آن نوای حزن‌انگیز به صاحب این صدا می‌پیوستند و آواز پرسوزی را که تا مغز استخوان هر شنونده نفوذ میکرد با متانت و سنگینی و ابهت تمام و با خلوص عقیده میسرودند .

انعکاس صدای پراحساس این جمعیت در فضای خالی تکیه شکوه جانگرایی داشت و تأثیر عمیقی در روح حضار میگذاشت . این جمعیت که شامل همه شبیه‌ها بود از اینکه دوبدو با نظم و وقار و متانت يك بار بدور تکیه میگشت بی‌الای سکو میرفت . کودکان در محل مرتفعتری قرار میگرفتند و بقیه در وسط صحنه دایره‌ای تشکیل میدادند و بسردن اشعاری بصورت سؤال و جواب و دسته‌جمعی میپرداختند . این منظره آندوه‌بار و این آهنگ حزن‌انگیز حضار را برای مشاهده و وقایع دلخراش بعد آماده میساخت .



تصویری که مرحوم کمال‌الملک از تکیه دولت در حالی که قسمتی از تشریفات مقدماتی تعزیه را نشان می‌دهد کشیده است. این تصویر از لحاظ رنگ آمیزی بسیار دقیق و هنرمندانه است. موزه کاخ گلستان

معین‌البکاء در تمام مدت تعزیه بدون توجه به حضار در همه امور دخالت میکرد و باعصای خود دسته موسیقی را بناختن فرمان میداد، یا شیشه‌ها را بوظایفی که داشتند آگاه میساخت و ایشان را در صورت خبط و خطا راهنمایی میکرد. توجه حضار بقسمی بوقایع تعزیه جلب میشد که وجود معین‌البکاء هیچگونه لطمه‌ای به پیشرفت وقایع داستان وارد نمی‌آورد و نه تنها موجب حواس‌پرتی حضار نمیشد بلکه ایشان بطوری بمشاهده تعزیه غرق میشدند که وجود او را بکلی فراموش میکردند.

برای آرایش صحنه به حداقل اشیاء لازم اکتفا میشد. بطور کلی صحنه‌آرایی بمعنای امروز مورد توجه نبود ولی موضوع داستان و وقایع تعزیه که عملاً توصیف و مجسم میشد بقدری عمیق و شورانگیز بود که نیاز به صحنه‌آرایی اصلاً احساس نمیشد. در نمایشهای مذهبی یونان قدیم نیز آرایش صحنه وجود نداشته است.

دسته نقاره‌زن در یکی از حجره‌های فوقانی تکیه قرار میگرفت و به اشاره دست معین‌البکاء

درمواقع ضرورت بناوختن آهنگهای غم‌انگیز میپرداخت .

اسبهای اصیل و گران‌قیمت دربار با بیراقهای زرین ، صندلیهای طلاکوب شده ، شالهای گرانبهای کشمیری ، تشک‌های ترمه ، ومخده‌های ملیله‌دوزی شده ، وانواع اشیاء زیبا وبرارزش برای برگزاری تعزیه ازدربار بعاریت گرفته میشد ومورد استفاده قرار میگرفت این‌کار ، گرچه ازلحاظ فلسفه واقع‌بینی علمای زیبایی‌شناسی معاصر مورد ایراد است ولی نشانه میزان علاقه ایرانیان بخاندان علی علیه‌السلام بوده است . درهشتاد سال پیش ارزش بعضی ازصندلیهایی را که درتکیه دولت مورد استفاده قرار میگرفت بالغ برچهار هزار دولار تخمین زده‌اند .

ازاینجا میتوان تشخیص داد که چه مایه ثروت دربرگزارکردن تعزیه دخیل بوده‌است . بااین وصف‌اهمیت کاربیشتر به شایستگی وهنرمندی شبیه‌ها بود نه به اشیاء گرانبها . خوش‌لحن‌ترین خوانندگان را ازگوشه وکنار مملکت گرد می‌آوردند وایشان را برای تعزیه‌خوانی آماده میساختند . باین وسیله بسیاری ازآوازاها وگوشه‌های موسیقی ملی‌ما - که امروزه متأسفانه بعضی فراموش شده وبعضی درشرف فراموش شدن است وسخیف‌ترین آهنگهای خارجی یا تقلیدهای ناقص وناهنجاری ازآن جای آنها راگرفته است - سینه بسینه حفظ میشد .

آوازهایی که هر یک ازشبیه‌ها میخواندند به اقتضای مقام ومرتبه ووضع خاصی که در پیشرفت وقایع داشتند متفاوت بود . امام‌خوانها یعنی اولاد پیغمبر وموافقان ایشان درمواقع عادی اشعار خودرا درلحنهای مطبوع وموقر ودلنواز میخواندند مثل پنجگاه ونوا ورهاوی وغیره ودرمواقع هیجان‌آور ازآوازهائی نظیر دشتی وشور وترکیبات آن استفاده میکردند . درصورتیکه دسته مخالف یعنی اشقیبا یا شمرخوان‌ها باوجود صدای خشن مطالب خودرا به لحنی خشک که حاکی برسبیت وخوی حیوانی ایشان بود بیان میداشتند .

بنابراینچه به اختصار بیان شد تکیه دولت نه‌تنها به لحاظ معماری وجنبه‌های تاریخی بلکه ازلحاظ اجرای مراسم باشکوه تعزیه نیز دارای اهمیت خاصی بوده است . افسوس وصد افسوس که اکنون اثری ازآن بجا نمانده وبه‌مین دلیل است که اهمیت تصویرآن بخامه مرحوم جنت مکان کمال‌الملک بمراتب بیشتر ازیک تابلوی کار استاد است .

مردم تمام کشورها به آثار ملی خود همیشه مباحثات میکنند ودر حفظ وصیانت آن میکوشند واگر درشرف ویرانی باشد به مرمت آن همت میگذارند . ازبنای با عظمت ای‌داوروس Epidavrus دریونان که محل برگزاری نمایشهای مذهبی آن قوم بود اکنون متجاوز ازدوهزار وپانصد سال میگذرد ، ازبنای ساختمان مخصوص که درشهر دلفی دریونان برای همین منظور بنا شده قریب بیست‌وینج قرن میگذرد ، ازبنای هرود اتیکوس Herod Eticus درشهر آتن بالغ بریکهزار ودویست سال گذشته است . بااین وصف همه آنها را تعمیر کرده‌اند ومراسمی را که پدران ایشان درآن اجرا میکردند وآثارگراقتدیری را که دردوهزار وپانصد سال پیش تدوین شده عیناً اجرا میکنند وباین وسیله نه‌تنها ارکان ملی خودرا استوار میسازند بلکه با جلب کردن توجه جهانگردان هر سال مبالغ هنگفتی پول به درآمد کشور خود می‌افزایند .

مردم فرانسه نیز آمفی تئاتری را که رومیان چندصد سال پیش از میلاد در شهر نیس Nice بنا کرده‌اند مرمت نموده وبه‌اجرای آثار پرارزش راسین وکرفنی اختصاص داده‌اند . درانگلستان ومخصوصاً درشهرهای نیویورک وواشنگتن وبعضی دیگر ازشهرهای مهم امریکا تماشاخانه‌هایی ، عیناً شبیه تماشاخانه «گلوب» Globe که قریب چهارصد سال پیش آثار ذیقیمت شکسپیر درآن بازی میشد با درنظرگرفتن کلیه نکات تاریخی بنا کرده‌اند .

اکنون که بنای زیبای تکیه دولت بکلی ازمیان رفته است آیا سزاوار وشایسته نیست که ماهم بنائی نظیر آن درنقطه مناسبی ازشهر ایجادکنیم وآنرا برای برگزاری برنامه‌هایی ملی ولی بسبک وسیاق تعزیه اختصاص دهیم ؟

فوائد بیشمار چنین کاری برتیزبینان ونیک‌اندیشان پوشیده نیست وامیدوارم روزی این کار با مطالعه دقیق ازطرف وزارت فرهنگ وهنر به انجام برسد .